

تحلیل فقهی و حقوقی نقش تورم در ارزش دارایی

و تاثیر آن بر بازپرداخت دیون

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

اعظم اعرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد در گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دکتر عبدالوحید وفایی^۱

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده

واژه تورم عبارت است از کاهش مستمر ارزش پول یا افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی در جامعه منجر می‌شود. از نقاط مبهم موضوع تورم می‌توان به شفاف و آشکار نبودن احکام مرتبط با جبران کاهش ارزش پول و ۴ دیدگاه یا نظریه مختلف از فقها را بیان کرد که عبارتند از: ۱- طبق فتوای مشهور فقها نظریه عدم جبران کاهش ارزش پول ۲- نظریه جواز و لزوم جبران کاهش ارزش پول ۳- نظریه تفصیل ۴- نظریه مصالحه. همچنین معضل تورم به جهت جلوگیری از ظلم و اجرای عدالت و ادای حق مالی در روابط افراد در همه جوامع علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی این موضوعات پرداختیم. از نتایج این پژوهش می‌توان: ۱- به عمده اختلافات ناشی از عدم شفافیت تبیین موضوع بین فقها اشاره کرد و اینکه وظیفه اصلی فقها بیان حکم است و تشخیص موضوع بیشتر برعهده عرف متشرعه می‌باشد. ۲- به بیان نقصان ساختار قانونی مرتبط با تورم یا کاهش ارزش پول و نقش دولت و بانک‌ها می‌توان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ارزش دارایی، اجرای عدالت، بازپرداخت دیون، تورم، ربا، کاهش ارزش پول

مقدمه

تورم یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی قرن حاضر است و دامنهٔ آن چنان وسیع و گسترده است که هیچ کشوری در جهان از آثار و نتایج آن برکنار نمانده است. تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. و یا به تعریف دیگر تورم روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. امروزه تورم و کاهش ارزش پول به‌عنوان یکی از پدیده‌های مزمن کشور هزینه‌های زیادی برای خانوارهای ایرانی به بار آورده است. در روایتی از امام صادق (ع) «غلاء السعر یسیء الخلق و یدهب الامانه و یضجر» (بالا بردن نرخ‌ها اخلاق و رفتار مردم را بد می‌کند. امانت‌داری را از بین می‌برد و مردم مسلمان را در فشار و سختی قرار می‌دهد) که این حدیث به تأثیر منفی تورم و اثری که بر رفتار و اخلاق افراد در جامعه می‌گذارد اشاره می‌نماید. (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۶۴) دگرگونی‌های پدیدآمده در عرصه اقتصاد و ماهیت پول سبب شده است که ارزش پول به‌شتاب روز افزونی فروکاهد. این روند با ورود پول کاغذی تحریری به میدان دادوستدها، شدت بیشتری گرفت. در قراردادهای بلندمدت پولی، ارزش پول به گونه چشمگیری کاهش یافت و این امر ضمن پدیدآوری نابسامانی‌های فراوان اقتصادی در سطح خرد و کلان، برای کسانی که درآمدشان ثابت، یا صاحب پس‌انداز پولی یا طلبکار بودند و... نگرانی‌های فراوانی پدید آورد. همچنین در اثر تورم ارزش واقعی دارایی‌هایی که برحسب ارزش اسمی ثابت هستند، کاهش می‌یابد. افراد واجد پول، حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، قراردادهای بیمه و مانند اینها به میزان کاهش ارزش پول، زیان می‌بینند؛ یعنی همه بستانکاران دارایی‌هایی که ارزش اسمی آن دارایی‌ها ثابت می‌ماند، زیان خواهند دید و دولت و سایر بدهکاران در برابر بستانکاران یاد شده، سود کلانی می‌برند. (کتابی، ۱۳۷۱: ۱۱۵-۱۱۸) نقش تورم و کاهش ارزش پول در اموال و دارایی‌های ثابت مثل: مسکن، کارخانه، اتومبیل، کالاهای بادوام و مانند اینها به این نحو می‌باشد که ارزش دارایی آنان هیچ‌گونه کاهشی نمی‌یابد. بلکه با توجه به میزان نرخ تورم افزایش می‌یابد. تأثیر تورم و کاهش ارزش اسمی در معاملات افراد به این صورت است که به‌عنوان مثال، «فردی مقداری پول به دیگری قرض داده و در زمان بازپرداخت، ارزش پول به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته است. اگر معتقد به مثلی بودن همه انواع پول (حتی پول امروزی) باشیم، مدیون با پرداخت مثل آنچه که دریافت کرده (همان مبلغ اسمی پول) بری الذمه می‌شود و در اینجا ضرر کاهش ارزش بدون جبران باقی می‌ماند و اگر بگوییم که

پول امروزی ماهیتی قیمی دارد، پس در زمان ادای دین، مدیون باید قیمت پول را محاسبه و پرداخت کند تا معادل ارزشی را که قرض گرفته به صاحبش برگرداند.» (طباطبایی و سرمدی، ۱۳۹۳: ۵۳)

این پژوهش تحلیلی است از نظرات فقهی متفاوت فقها و حقوقدانان در مورد این مسئله که طلبکار علاوه بر پرداخت مبلغ اسمی وجه دین باید ارزش کاهش یافته واقعی پول را نیز جبران کند یا خیر و اینکه بازپرداخت دیون در اثر تورم و کاهش ارزش اسمی شامل همه دیون پولی می شود یا فقط در مورد بعضی از دیون پولی امکان دارد. و به بیان تفاوت میان جبران کاهش ارزش پول در اثر تورم با جبران بازپرداخت خسارت تأخیر تأدیه می پردازیم. و همچنین به ارائه رابطه ماهیت قیمی یا مثلی بودن پول در بازپرداخت دیون در اثر تورم پرداخته می شود. و نظرات صاحب نظران را راجع به آن مقدار زایدی که بر اثر تورم بدهکار در دیون خود به دائن باید بپردازد، ربا است یا خیر بیان می کنیم. تفاوت این پژوهش با پژوهش های دیگر در این است که به دنبال دلیل اصلی اختلاف نظر کارشناسان دینی راجع به تورم و تأثیر آن بر بازپرداخت دیون و بیان نقصان ساختار قانونی مرتبط با کاهش ارزش پول می باشیم همان طور که می دانید در عصر حاضر بیش از پیش با این معضل تورم در جامعه درگیر هستیم به طوری که این ناآگاهی ها و کمبودها باعث ایجاد پرونده های حقوقی زیاد در دادگاه ها، عدم اعتماد و قرض دادن پول به یکدیگر بین افراد شده است. سعی داریم با تحلیل و تطبیق این موارد را بررسی کنیم تا به یک نظریه واحد برسیم و امیدوارم که با این پژوهش بتوانیم اطلاعات مفیدی در اختیار افرادی که اطلاعات کافی در زمینه نقش تورم و کاهش ارزش اسمی از منظر فقهی و حقوقی ندارند و یا تأثیری که تورم در قراردادهای و بازپرداخت دیون افراد می گذارد را بیان کنیم تا راه گشای آنها در زندگی روزمره و قراردادهای بلندمدت افراد به خصوص در حال حاضر که خیلی بیشتر با این معضل تورم دست به گریبان اند باشد.

بخش اول: بررسی پیشینه تحقیق

۱- فربدنیا (۱۳۹۶) در مقاله «مسئولیت مدنی ناشی از تورم و کاهش ارزش پول در نظر فقها و حقوقدانان» بیان می دارد جبران کاهش ارزش پول، چیزی زاید بر اصل پول نیست تا ربا محسوب شود تا از این جهت تفریغ ذمه و تساوی عوضین، جبران آن لازم باشد؛ بنابراین، لزوم جبران آن از لحاظ موضوعی و تخصصی از تعریف ربا خارج است. و قبول این

نظریه در اقتصاد، سبب توزیع مناسب‌تر درآمد و ثروت خواهد بود و عدم قبول آن در مبادلات مدت‌دار، قسط و عدالت توصیه شده در اسلام را مخدوش خواهد ساخت.

۲- تفقدی زارع (۱۳۹۵) در مقاله خود راجع به «خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان» بیان می‌کند که با توجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته شده در حقوق ایران و انگلستان می‌توان عنوان نمود که خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد در حقوق ایران در روابط قراردادی قابل مطالبه است. به عبارت دیگر خسارت تأخیر تأدیه به دین به معنی اخص تعلق می‌گیرد. نه به خسارت ناشی از ضمان قهری درحالی‌که در حقوق انگلستان خسارت تأخیر تأدیه که در قالب بهره پرداخت می‌شود به هر دو دین و خسارت تعلق می‌گیرد.

۳- افتخار جهرمی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و نقد اقوال فقهی پیرامون خسارات کاهش ارزش پولی پس از تأخیر در تأدیه» به بیان اینکه کاهش ارزش پول در طول زمان (در رابطه طولی از حیث زمان) سبب می‌شود که قطعات و اجزا پول از مثلی به قیمی تبدیل شود. و همچنین بیان می‌کنند در این فرض، رد عین همان مبلغ اسمی که بر ذمه بوده با رد مثل آن، موجب فراغت ذمه نخواهد بود و بلکه رد قیمت آن یعنی رد همان قدرت خریدی که در زمان سررسید داشته برعهده مدیون مماتل می‌آید. چنین برداشتی با مبانی فقهی نیز مباینتی ندارد. زیرا همچنان که بیان شد؛ تقسیم اموال به مثلی و قیمی، مبنایی عرفی دارد نه شرعی.

۴- جعفری فشارکی (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی آرای فقها درباره تبدیل مهریه به نرخ روز» به بررسی و بیان نظر فقها و علمای بزرگوار می‌پردازد که معتقدند که کاهش ارزش پول تأثیری در مهر زن ندارد، می‌پردازد. اما به نظر می‌رسد طرح مورد بحث از جهت فقهی بودن دارای اشکال می‌باشد؛ زیرا عرف و عقلاً در مبادلات خود با پول، کانون توجه خود روی ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید آن متمرکز می‌کنند نه روی ارزش مصرفی با عدد و رقم آن و تنها ارزش مبادله‌ای پول در نظر عرف اهمیت دارد و واکنش‌های عرف در مقابل ارزش مبادله‌ای آن است؛ بنابراین می‌توان گفت در تعدیل مهریه، کاهش ارزش پول جبران شده است و اضافه صدق نمی‌کند در نتیجه ربا هم نخواهد بود.

بخش دوم: روش و اجرا تحقیق

در مرحله اول برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، نیاز به منابع مختلفی می‌باشد

که هر فرد برای جمع آوری اطلاعات خود انجام می‌دهد. به عبارتی مرحله گردآوری اطلاعات آغاز فرایندی است که طی آن محقق یافته‌های کتابخانه‌ای خود را که گردآوری کرده به روش استقرایی به فشرده‌سازی آنها از طریق طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل می‌پردازد و فرضیه‌های تدوین شده خود را مورد ارزشیابی قرار می‌دهد و در نهایت حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله تحقیق را به اتکای آنها می‌یابد. همانطور که بیان شد این پژوهش از حیث ماهیت موضوع کیفی، از نظر هدف کاربردی و از حیث موقعیت گردآوری داده‌ها با توجه به موضوع پژوهش کتابخانه‌ای می‌باشد. و همچنین از حیث روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در روش‌های گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده در این پژوهش از ابزارهای کتابخانه‌های دیجیتال که قرینه کتابخانه‌های واقعی هستند و از همان ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها برخوردارند. استفاده شده است. از منابع و کتاب‌های دست اول و مقالات و مجلات معتبر که با توجه به دو اصل صحت و دقت سعی در تهیه آن منابع شده اطلاعات و داده‌ها جمع‌آوری کردیم و با استفاده از ابزار متن‌خوانی و فیش‌برداری مطالب مورد نیاز را استخراج کردیم. از فضای مجازی اینترنت و با استفاده از سایت‌های معتبر مقالات و مجلات علمی پژوهشی بهره گرفتیم. که این فضای مجازی از حیث سرعت عمل و صرفه جویی در هزینه و زمان غیره از کاربرد همان روش‌ها در فضای واقعی کارآمدتر و موثرتر می‌باشد. همچنین به بیان نظر حقوقدانان، مراجع تقلید و دو نمونه پرونده خرید و فروش در اثر اختلاف قیمت‌ها ناشی از تورم، را بیان کرده‌ایم. که اکثر پرونده‌های حقوقی در دادگاه‌ها راجع به همین اختلاف قیمت‌ها در اثر تورم و تأثیری که بر قراردادهای افراد دارد می‌باشد.

بخش سوم: بررسی مفهوم دارایی

دارایی، ظرف کلی دارا شدن حقوق و تکالیف مالی است و از مفاهیم وابسته به شخصیت است. بدین معنی که فقط شخص (اعم از طبیعی و حقوقی) می‌تواند دارایی داشته باشد و هر شخص لزوماً دارایی دارد و فقط یک دارایی دارد. (شرکت تجاری نیز به عنوان شخصیت حقوقی فقط یک دارایی دارد). دارایی که ظرف و مفهوم کلی است و مستقل از اجزای خود می‌باشد، یعنی حقوق و تکالیف مالی شخص در طول حیات، مدام عوض می‌شود اما دارایی به عنوان یک ظرف کلی در تمام این مدت ثابت می‌ماند. دارایی فقط شامل حقوق و تکالیف مادی است، بنابراین حقوق مربوط به شخصیت (از جمله زوجیت، ابوت و بنوت و غیره) را

می‌توان جزء عناصر دارایی دانست اما حقوق مربوط به شخصیت ممکن است آثار مالی از خود به جای بگذارد و آن آثار مالی را می‌توان جزء عناصر دارایی دانست که از جمله آن، حق زوجه بر نفقه است که از آثار نکاح محسوب می‌شود اما به خودی خود یک امر مالی است. دارایی با مال فرق دارد. دارایی مفهوم گسترده‌تری از مال داشته و جنبه منفی اموال و بدهی‌های فرد را هم شامل می‌شود. برای مثال ۱۰۰ هزار تومان قرض یک فرد هم دارایی او محسوب می‌شود که در اصطلاح به آن دارایی منفی گفته می‌شود.

بخش چهارم: مفهوم دین و بازپرداخت دیون

در حقوق مدنی بدهی یا دین (جمع آن دیون) بیانگر تعهد یک شخص حقیقی یا حقوقی بدهکار به شخص حقیقی و یا حقوقی دیگر بستانکار است. بدهی معمولاً به دارایی واگذار شده بستانکار به بدهکار اشاره دارد، اما می‌تواند به عنوان استعاره برای بیان تعهدات اخلاقی یا سایر تعاملات اقتصادی نیز استفاده شود. مفهوم بازپرداخت بدهی معمولاً شامل دو بخش «اصل بدهی» و بهره‌ی آن است. که معمولاً پرداخت بدهی در بازه زمانی مشخص باید صورت گیرد.

بند اول: مفهوم تورم

مفهوم اصطلاح «تورم» - که معنای عمومی آن در زبان فارسی آماس و افزایش حجم است. شایان ذکر است که معنای عمومی Inflation^۱ در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز، همانند فارسی، آماس و افزایش حجم است و اتفاقاً اصطلاح مورد استعمال عرب‌زبان‌ها برای تورم هم، به معنای مذکور کاملاً نزدیک است زیرا در زبان عربی برای تورم از واژه «تضخم» و گاهی «تضخم مالی» استفاده می‌شود.^۲ محمود میرزایی در کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصادی چنین بیان می‌دارد: «تورم پولی عبارت است از عدم تعادل بین مقدار پول منتشر شده‌ای که برای معاوضه در اختیار مردم است و مقدار احتیاجی که مردم برای انجام معاوضات (مبادلات) خود به پول دارند.»^۳ علی آبادی از اقتصاددانان و مؤلفان علم اقتصاد در این خصوص بیان کردند: تورم پول موقعی پیدا می‌شود که میزان وسایل

۱) واژه تورم در ترجمه واژه‌های انگلیسی و فرانسوی Inflation به کار رفته است که این دو کلمه و کلمات معادل آنها در اکثر زبان‌های اروپایی از ریشه لاتینی Inflatus - به معنای ورم - مشتق شده‌اند.

۲) میرزایی الحسینی، محمود، کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصادی - بازرگانی، ۱۳۷۹، ذیل تورم

۳) علی آبادی، پلی کبی پول، به نقل از مشکوه، ۱۳۴۸، ص ۱۶۷

پرداخت، زیاده‌تر از احتیاجات اقتصادی کشور و حجم کالاهای موجود باشد. تورم عبارت است از افزایش عمومی و نامتناسب قیمت‌ها به‌ویژه قیمت کالاها و خدمات مصرفی که غالباً حالت خودافزا، مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد و کم و بیش موجب کاهش اعتماد عمومی به واحد پول ملی می‌شود. تورم معلول علل و عوامل متعدد و متنوع اقتصادی است و صرف نظر از تصمیم و اراده فروشنده یا عرصه کننده پدید می‌آید؛ لذا جنبه عمومی دارد و به کالا و خدمات محدود نیست.^۱ در بیان دیگر تورم در علم اقتصاد افزایش غیر متناسب سطح عمومی قیمت‌هاست.^۲ یا تورم نرخ است که به واسطه آن، قیمت کالا و خدمات افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر به افزایش تدریجی قیمت اجناس و خدمات در یک دوره زمانی تورم گفته می‌شود که می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. با توجه به تعاریفی که از واژه تورم از منظر علم اقتصاد و حقوق ذکر شد می‌توان این چنین بیان نمود: نرخ تورم و کاهش ارزش پول نشان دهنده افزایش یا کاهش و یا ثبات در قیمت مصرف کننده کالاها و خدمات می‌باشد.

بخش پنجم: نقش و تأثیر تورم در اموال و دارایی افراد جامعه

دکتر کیا پارسا در روزنامه صبح ایران دنیای اقتصاد می‌فرماید: مهم‌ترین تأثیر تورم، بر توزیع درآمد و ثروت است. یکی از خصوصیات بارز پدیده تورم، عدم تناسب بین تغییر قیمت‌ها و درآمدها است. به این ترتیب که قیمت برخی از کالاها و درآمد برخی از طبقات و گروه‌های جامعه با آهنگی تند افزایش می‌یابد در صورتی که این آهنگ برای قشرها و طبقات دیگر جامعه کند است. این عدم تناسب موجب می‌شود که درآمد حقیقی برخی افراد جامعه از جمله دارندگان درآمدهای متغیر چون تجار، مالکان اراضی و مستغلات و صاحبان حرفه‌ها و مشاغل آزاد افزایش یابد و در عوض افرادی که دارای درآمدهای ثابتی هستند، کاهش پیدا کند. البته تورم می‌تواند سبب دارایی عاملان اقتصادی را دگرگون سازد؛ زیرا در اثر تورم، افراد و گروه‌ها تا حد امکان می‌کوشند دارایی نقدی خود را کاهش و در عوض سهم کالا و اموال غیرنقدی خود را افزایش دهند. به این ترتیب مقدار زیادی از وقت،

۱ کتابی، احمد، تلاش برای شناخت مفهوم واقعی تورم، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶

۲ میشکین، فردینک اس؛ اقتصاد پول بانکداری و بازارهای مالی، ج ۲ ترجمه و تألیف: دکتر حسین قضاوی، چاپ اول،

انرژی و منابع مالی مردم و عاملان اقتصادی به جای به کار افتادن در مسیر فعالیتهای مفید و مولد اقتصادی صرف فعالیتهایی می‌شود که هدف از انجام آنها تطابق با شرایط تورمی و اجتناب از کاهش ارزش دارایی‌ها است که این امر به دلال بازی یا معاملات سوداگرانه دامن می‌زند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت، تورم حتی کارآیی اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار دهد.^۱ همچنین بیان فرمودند که از اثرات سوء تورم می‌توان به تأثیر آن بر پس‌انداز و نحوه مصرف مردم اشاره کرد. که بر اثر کاهش ارزش پول ملی ناشی از افزایش نرخ تورم، تمام افرادی که سرمایه نقدی خود را به صورت پس‌انداز نگهداری می‌کنند متضرر خواهند شد. که این امر بر تمایل افراد به پس‌انداز اثر منفی دارد و همان‌طور که بیان شد، در شرایط تورمی میل به کالاهای بادوام و سرمایه‌ای مانند زمین و مسکن افزایش پیدا خواهد کرد که می‌تواند نوع مصرف را تحت‌تأثیر قرار دهد. از اثرات دیگر تورم، تأثیر آن بر تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی است؛ به طوری که این موضوع می‌تواند عاملان اقتصادی را در تصمیم‌گیری خود دچار بلاتکلیفی کند، زیرا وجود تورم، بنگاه‌های اقتصادی را در زمینه برآورد درآمد و هزینه، با دشواری مواجه می‌کند. تأثیر بعدی تورم را می‌توان در هزینه‌های جاری دولت مشاهده کرد. زیرا دولت خود مصرف‌کننده است و از سوی دیگر باید حقوق کارمندان خود را بپردازد. در شرایط تورمی دولت مجبور است حقوق کارمندان خود را افزایش دهد. البته نباید فراموش کرد وجود تورم می‌تواند درآمدهای دولت را نیز از طریق مالیات افزایش دهد. از آثار دیگر تورم، می‌توان به تأثیر آن بر بازرگانی خارجی اشاره کرد. به طوری که تورم در بیشتر مواقع موجب اختلال در موازنه پرداخت‌ها می‌شود، زیرا از یک سو به دلیل افزایش قیمت‌ها در داخل، میزان صادرات کاهش و از سوی دیگر مقدار واردات افزایش می‌یابد. بنابراین اگر تورم در ایران از تورم کشورهایی که با کشورمان مبادلات وسیع تجاری دارند بیشتر باشد، آنگاه کالاهای ساخت ایران برای این کشورها گران‌تر خواهد شد در نتیجه صادرات کشورمان کاهش می‌یابد و از سوی دیگر در این شرایط کالاهای ساخت کشورهای خارجی برای مصرف‌کننده ایرانی ارزان‌تر خواهد شد و واردات کالا به کشور افزایش خواهد یافت که آثار چنین پدیده‌ای تأثیر بر تراز پرداخت‌ها است و در صورت

کمیود منابع درآمدی به کسری تراز بازرگانی منجر می‌شود.^۱

بخش ششم: شناسایی عوامل مؤثر بر معضل تورم از نظر علم اقتصاد

تورم در اقتصاد ایران ریشه‌ها و علت‌های بسیاری دارد. از جمله موانعی که بر این معضل وجود دارد عبارت است از:

- ۱- شوک‌های نفتی و رشد نقدینگی
- ۲- بودجه عمومی و اتکا به درآمدهای نفت
- ۳- کسری بودجه
- ۴- سیاست کاهش ارزش پول ملی و سیاست‌های حمایتی
- ۵- قیمت‌گذاری نامناسب تولیدکنندگان

رشد حجم پول و نقدینگی نقش تعیین کننده و مؤثری در میزان تورم دارد. از طرف دیگر تغییرات منابع پایه پولی که شامل ذخایر ارزی و طلای بانک مرکزی، خالص بدهی دولت و بانک‌های تجاری به بانک مرکزی می‌باشد از عوامل اصلی رشد حجم پول و نقدینگی می‌باشد. بنابراین طبق نظریات اقتصاد کلان تغییرات پایه پولی با ضریبی به نام ضریب (پایه پولی) که در حال حاضر حدود ۵ می‌باشد، باعث رشد حجم پول می‌گردد. یعنی هر واحد افزایش پایه پولی به پنج واحد افزایش حجم پول منجر می‌گردد. تغییرات پایه پولی نیز بیشتر به خاطر افزایش موجودی ارزی دولت (تغییر در صادرات نفت خام) و افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی (به خاطر کسری بودجه) بوده است. این رابطه موجب شده است که تغییرات اساسی در قیمت نفت در سطح بین المللی با توجه به وابستگی بودجه دولت به صادرات نفت خام به بودجه دولت منتقل گردد و همان طور که بیان شد این امر نیز به گسترش پایه پول و در نهایت رشد نقدینگی منجر می‌شود. رشد پایه پول و نقدینگی به علت مشکلات جانب عرضه اقتصاد در ایران بیشتر به جای هدایت آن به بخش تولید، به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر شده است.

همچنین دولت درآمد حاصل از فروش نفت را به صورت ارز به بانک مرکزی داده و در قبال آن ریال می‌گیرد. بانک مرکزی نیز برای تأمین ریال مورد نظر خود، یا ارز را در بازار می‌فروشد، یا صرف واردات می‌کند و یا خود به دولت ریال داده و پایه پولی را افزایش

می‌دهد. متأسفانه بازار ایران توان جذب این مقدار ارز را ندارد. بنابراین در سال‌های اخیر برای صرف این مقدار ارز به واردات روی آورده‌اند. اما علی‌رغم آن مقداری از این ارزها در دست بانک مرکزی باقی مانده که این امر باعث افزایش نقدینگی و تورم گشته است. کسری بودجه همیشه یکی از مشکلات اقتصاد ایران بوده است و از عوامل اساسی و اصلی رشد تورم می‌باشد. زیرا در این حالت پایه پولی به علت افزایش بدهی‌های دولت و یا برداشت از حساب ذخیره ارزی افزایش یافته و متعاقب آن نقدینگی و تورم افزایش می‌یابند. علاوه بر این پرداخت یارانه به کالاهای اساسی با ایجاد بازار سیاه برای این کالاها و افزایش تدریجی و بعضاً قابل توجه قیمت این کالاها در بازار سیاه، با توجه به اهمیت این کالاها، به سایر کالاها نیز سرايت کرده و باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گشته است. از طرفی دولت برای تأمین نیاز مالی خود بانک مرکزی را مجبور می‌کند که ارز حاصل از فروش نفت خام را با قیمت بالایی در بازار بفروشد. این امر همان سیاست کاهش ارزش پول ملی است که با افزایش صادرات و کاهش واردات، باعث تورم گشته است. زیرا با افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و نیز نهایی وارداتی، قیمت‌های داخل نیز خود به خود افزایش می‌یابند. انتظارات تورمی نیز از دیگر دلایل ایجاد تورم در کشور می‌باشد، زیرا به دلیل سیاست‌های مربوط به قیمت گذاری کالاها و خدمات عمومی در پایان هر سال معمولاً انتظارات تورمی در جامعه شکل می‌گیرد. به طوری که در انتهای هر سال همه افراد جامعه انتظار دارند که قیمت‌ها مجدداً افزایش یابد. علاوه بر این از آنجا که برخی از تولید کنندگان کالاهای خوراکی و ضروری، قدرت قیمت‌گذاری دلخواهانه دارند و از آنجا که عمده درآمد مردم عادی صرف خرید این کالاها می‌شود بنابراین به دلیل افزایش قیمت این کالاهای ضروری از جانب این تولیدکنندگان، تورم افزایش می‌یابد. اما با رشد دائمی تورم در یک سال گذشته، امروزه دیگر کسی شک ندارد که مهم‌ترین دلیل افزایش تورم، رشد نقدینگی و انبساطی بودن بودجه است که تداوم آن در رشد نقدینگی تأثیر بسزایی داشته است.

بخش هفتم: شناسایی عوامل تأثیرگذار تورم در بازپرداخت دیون از منظر فقهی

همان طور که بیان کردیم یکی از عوامل موثر در شناسایی تورم، تفاوت پول امروزی با پول‌های صدر اسلام می‌باشد. پول‌های صدر اسلام، پول حقیقی (طلا و نقره) بود ولی پول‌های امروزی اعتباری محض هستند. همچنین پول‌های گذشته افزون بر ارزش مبادله دارای ارزش مصرفی هم بوده‌اند. ولی پول‌های امروزی فقط دارای ارزش مبادله‌ای هستند؛

افزون بر این شیوه تولید و عرضه آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است.^۱ همچنین افزون بر این که پول‌های امروزی از نوع اعتباری است ولی از دیدگاه فقهی و حقوقی نوعی مال به حساب می‌آید. مال چیزی که مورد رغبت و تقاضای عقلا باشد، به گونه‌ای که حاضر باشند در قبال آن عوضی بپردازند. بنابراین توجه به درستی این تعاریف از پول‌های امروزی، بنابر اعتباری که حاکمیت به آن داده و مورد قبول عرف است، می‌توان آن را در تعریف مال قرار داد. همچنین همان‌طور که بیان شد این پول دارای دو ارزش اسمی و حقیقی است. اگر ارزش پول را بدون در نظر گرفتن شاخص قیمت‌ها و تورم در نظر داشت به ارزش اسمی پول اشاره شده است و اگر قدرت خرید آن در نظر گرفته شود به ارزش حقیقی پول توجه شده است.

بخش هشتم: نظرات حقوقی و قانونی راجع به جبران تورم و کاهش ارزش پول

همانگونه که بیان شد قانونگذار، قابلیت جبران این ضرر را به صراحت نپذیرفته و تنها در چند ماده قانونی، آن هم به صورت استثنایی، و با فراهم بودن شرایط معینی، قابل به جبران آن شده که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

در صورت وجود تورم باید کاهش ارزش پول براساس نرخ تورم رسمی اعلام شده از سوی بانک مرکزی جبران شود. در این صورت قانونگذار با الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در مهریه‌ای که وجه رایج باشد خسارت در دین متناسب با تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد این اصل را تأیید و تصویب نموده تا بخشی از ضرر افراد جامعه را بتوان جبران کرد.

نقش و وظیفه دولت در مورد کاهش ارزش پول ملی و وظیفه بانک مرکزی از منظر آیت الله مکارم شیرازی

در خصوص کاهش ارزش پول ملی و وظیفه بانک مرکزی در حفظ ارزش پول مرجع تقلید محترم، آیت الله مکارم شیرازی بیان می‌کنند:

امروزه انتشار پول ملی در اختیار بانک مرکزی کشورها است و از آنجا که میزان اسکناس در گردش، عامل مهمی در تعیین قدرت خرید مردم بوده و بالاتر بودن آن از حد خود (که عرضه پول بدون پشتوانه خوانده می‌شود) باعث کاهش قدرت خرید و ارزش مبادله‌ای پول

۱ یوسفی، احمدعلی، سلسله پژوهش‌های فقهی - حقوقی بررسی فقهی جبران کاهش ارزش پول، ۱۳۸۸، ص ۹۸

رائج مملکت می‌گردد، و این اقدام در مقدار ارزش اموالی که در دست مردم می‌باشد تأثیر مستقیم دارد، و پول چیزی جز امانت و ابزار مبادله در بیع (خرید و فروش) و ابزار واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش ثروت ملت نزد بانک مرکزی نیست. همچنین فرمودند که حکومت اسلامی، درقبال حفظ ارزش پول رایج در جامعه اسلامی مسئول می‌باشد. این مساله اولین وظیفه قانون بانک جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد و در سنوات اخیر ارزش پول ملی رایج در حال کاسته شدن می‌باشد و ارزش سپرده‌های قرض الحسنه در نزد بانک‌ها کاسته شده است. «وظایف و اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران براساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور، موظف به انجام وظایف زیر می‌باشد:

- ۱- حفظ ارزش داخلی و خارجی پول ملی کشور
- ۲- انتشار اسکناس و ضرب سکه‌های فلزی رایج کشور
- ۳- تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و ریالی
- ۴- نظارت بر معاملات طلا و وضع مقررات مربوط به آن
- ۵- نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج کشور
- ۶- تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور
- ۷- نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
- ۸- تنظیم حجم اعتبارات بانکی و ایجاد هماهنگی، متناسب با نیازهای پولی کشور
- ۹- نگهداری از حساب‌های کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت
- ۱۰- نگهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور
- ۱۱- نمایندگی دولت در سازمان‌های مالی و بین‌المللی
- ۱۲- در اختیار داشتن تصدی تمام عملیات انتشار اوراق بهادار دولتی
- ۱۳- انعقاد موافقت نامه پرداخت و اجرای قراردادهای پولی، مالی، بازرگانی و ترانزیتی دولت و سایر کشورها»

رسالت اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که با اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری شرایط مساعد برای پیشرفت اقتصادی کشور را فراهم سازد و در اجرای برنامه‌های مختلف اعم از برنامه‌های تثبیت و توسعه اقتصادی پشتیبان دولت باشد. در این راه حفظ ثبات ارزش پول و تعادل موازنه پرداخت‌ها به همراه رشد مداوم اقتصادی از طریق

اجرای سیاست‌های پولی از اهداف مهم آن به شمار می‌رود.

بخش نهم: نقش تورم یا کاهش ارزش پول با قاعده عدل و قسط

لزوم و رعایت قاعده ی عدل و قسط و ظلم نکردن در حق دیگران از اموری است که عرف، عقل، اجماع، آیات و روایت‌ها بر آن تأکید دارند و از اموری ضروری و بدیهی دین اسلام است. در هر مورد از امور زندگی از جمله در باب دیون و معامله‌ها این قاعده باید مراعات شود. رعایت این قاعده هنگامی که ملاک در بازپرداخت، قدرت خرید حقیقی پول باشد؛ در غیر اینصورت از قلمرو عمل به عدل و انصاف خارج شده و دچار ستم می‌شویم. از منابع فقهی که به لزوم و وجوب رعایت قاعده‌ی عدل و قسط اشاره دارد:

۱. آیات قرآن

آیات قرآن در این زمینه فراوان است که به ذکر یک نمونه آن بسنده می‌شود. ترجمه سوره مائده آیه ۸ که خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید خداوند به عدل و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد».

۲. روایات

روایات امام علی (ع) عدالت ترازوی خداوند سبحان است؛ ترازویی که خداوند آن را در میان مردم قرار داد و آن را بر پا داشتن حق، نصب کرد. بنابراین با خدا در ترازوی او مخالفت مکن و با او در سلطنت به معارفه بزمخیز.

۳. اجماع

اجماع عدالت در این جا از دیدگاه حقوقی مطرح است و فی الجمله در پذیرش چنین عدالتی بین عالمان اسلام، هیچ گونه اختلافی وجود ندارد.

۴. عقل

عقل از جمله مصداق‌های روشن حسن عقلی عدالت و قسط و قبح عقلی ظلم است. عدالت به طور ذاتی نیکو و پسندیده است و عقل به حسن آن حکم می‌کند؛ در نتیجه شرع نیز آن را در همه موارد لازم و واجب می‌شمارد. اما ظلم به طور ذاتی ناپسند است و عقل به قبح آن حکم می‌کند؛ در نتیجه شرع نیز در همه موارد آن را حرام و غیر مجاز می‌شمارد. طبق قاعده عدالت وجوب و رعایت قاعده عدل و قسط در جبران کاهش ارزش پول لازم و ضروری می‌باشد. بنابراین موضوع شرع آن است که در دیون و روابط مالی جهت رعایت قاعده عدالت و قسط، ادای دین از طرف مدیون باید به طور کامل انجام پذیرد. وقتی ارزش

پول بسیار کاهش یابد، به یقین بازپرداخت مبلغ و قدرت خرید اسمی به نظر داوری عرف، ادای کامل حق به شمار نمی‌رود، بنابراین طبق قاعده عدالت و قسط رعایت شده است. فقیهان ما ضابطه مثلی و قیمی در باب دیون و ضمانت‌ها را به جهت عمل به قاعده عدالت، جعل و اعتبار کرده‌اند. یعنی بازپرداخت مثلی در مثلی و قیمت در قیمتی، ضابطه‌مند کردن قاعده عدالت و قسط در دیون و روابط مالی است. در مواردی در بازپرداخت دیون تردید شود که به مقتضای عدالت عمل شده، داور، عرف عام است و داوری عرف عام نیز به حسب زمان‌ها و مکان‌ها و کیفیت‌ها ممکن متفاوت باشد. پیش از این گذشت که به لحاظ ادراک‌ها و ارتکارهای عرضی، پول‌های اعتباری به حسب قدرت خرید حقیقی، مثلی هستند بنابراین برای رعایت قاعده عدالت باید قدرت خرید منتهی پول پرداخت شود. بازپرداخت قدرت حقیقی پول هنگامی که ارزش پول به شدت کاهش یابد، زیادی و ربا نخواهد بود. یعنی در قرض کاهش شدید ارزش پول‌های اعتباری، به یقین طبق داوری عرف و عام و عقلا، بازپرداخت مبلغ اسمی عادلانه نیست. به گزارش عباس عبدی در یادداشتی در روزنامه اعتماد در مورد رابطه تورم و دیه بیان می‌کند که: سیستم اجتماعی دارای تناسب است. هرگاه بخشی از این تناسب تغییر کند، به ناچار باید کل سیستم تجدید سازمان شود. تا دوباره تناسب آن به دست آید. در غیر این صورت دچار کارکردهای منفی می‌شود. تورم یکی از عواملی است که این تناسب را به هم می‌زند البته تورم‌های تک رقمی و زیر ۵ درجه چندان مشکلی نیست. چون زمان کافی برای پیدا کردن تناسب در اختیار اجزای جامعه قرار می‌دهد. ولی تورم‌های شدید که در کوتاه مدت رخ می‌دهد همه ساختارها را تغییر می‌دهد و تناسب قیمت‌ها را به هم می‌ریزد. یکی از این موارد دیه یا همان معادل ارزش مادی جان انسان است. مطابق قانون، دیه انسان برابر قیمت یکصد شتر، ۲۰۰ گاو، ۱۰۰۰ دینار یا ۱۰۰۰ گوسفند و... است.

به طور مثال: مبلغ دیه در سال ۱۳۷۰ حدود ۲ میلیون تومان بود که با رقم آن زمان معادل قیمت ۱۶۰ سکه تمام بهار آزادی بود. این وضعیت در سال ۱۳۸۰ به حدود ۱۶۴ سکه رسید که تفاوت چندانی نداشت ولی در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۰۶ سکه شد که بسیار کاهش یافت، در سال ۹۸ به ۵۴ و اکنون حدود ۲۳ سکه رسیده است که در حقیقت تورم و گرانی ارزش هر کالایی را بالا برده جز دیه انسان را که می‌توان گفت در مقایسه با ارزش سکه و طلا نسبت به ۳۰ سال گذشته، بیش از حدود ۸ برابر کمتر شده است. کسی که

محکوم به پرداخت دیه می‌شود اگر در سال ۷۰ محکوم می‌شد باید ۱۶۰ سکه می‌داد و حالا ۲۵ تا ۳۰ سکه (برحسب قیمت روز) پیام چنین تعبیری روشن است. حالا فرض کنید که به هر دلیلی خواسته شود که ارزش دیه مثلاً دو برابر رقم فعلی شود اولین نتیجه آن بالا رفتن سرسام‌آور مبلغ بیمه خودرو و سایر بیمه‌ها است و اعتراض مردم را موجب می‌شود و چه بسا بسیاری از رانندگان از خیر بیمه کردن بگذرند و اگر بخواهند حق بیمه جدید را بپردازند باید کرایه و... را زیاد کند اگر هم بیمه نکند با اولین تصادف دچار زندان و مشکلات بسیار زیادی خواهند شد. این یک طرف ماجرا است طرف دیگر افزایش مبلغ دیه موجب رشد تصادفات ساختگی خواهد بود. که هم اکنون نیز مسأله‌ای جدی تبدیل شده است تصادفاتی که هدف آنها گرفتن خسارت بدنی و دیه است. تورم موجود همه نسبت‌های زندگی و جامعه را به هم ریخته است. حتی موجب تغییرات عمیق در ارزش‌های اجتماعی می‌شود. اثرات این مساله بر مهریه و نیز تعیین قیمت خودروی متفاوت برای پرداخت خسارت بسیار مشکل آفرین است. این بخش کوچکی از عوارض تورم‌های دو رقمی است. تورم ریشه در ساختار عمومی ایران دارد که بدون استقراض و تولید پولی بی‌پشتوانه قادر به ادامه حیات مدیریتی و سیاستی خود نیست ساختار پر هزینه و کم درآمد با بهره‌وری پایین و سیاست‌های ناکارآمد.

بخش دهم: تورم پولی و ارتباطش با کاهش ارزش پول

اگر تورم پولی ارتباط نزدیکتری با کاهش ارزش پول داشته باشد؛ چنانچه برخی از اقتصاددانان، تورم پولی را علت بلندمدت تورم می‌دانند. برای روشن شدن تورم پولی، سخن ذیل گویایی خوبی دارد. «اگر حجم پول در دست مردم افزایش یابد و به موازات آن، محصولات مورد تقاضای مردم افزایش نیابد، عدم تعادلی (تعادل پولی) پدیدار می‌گردد که بالا رفتن قیمت‌ها نتیجه منطقی آن است.»^۱ مراد ما از تورم و کاهش ارزش پول با توجه به توضیحات بالا آنجایی است که تغییری در خود پول‌ها حاصل شود: آقای احمد علی یوسفی در این رابطه می‌گوید: «همه کالاها افزون بر فایده مصرفی (ارزش مصرفی) دارای ارزش مبادله‌ای هستند. وقتی می‌گوییم کالایی گران یا ارزان شد، یعنی ارزش مبادله‌ای کالا در مقابل سایر کالاها تغییر یافته است. اگر ارزش مبادله‌ای کالایی در مقابل سایر کالاها

افزایش یابد، آن کالا گران شده و اگر کاهش یابد، ارزان شده است. پول نیز همین گونه است. اسکناس فقط دارای ارزش مبادله‌ای است و پول تحریری هم فقط ارزش مبادله‌ای عام است. اگر این ارزش مبادله‌ای در مقابل ارزش مبادله‌ای سایر کالاها و خدمات کاهش یابد و اقتصاد دچار تورم می‌شود؛ ولی اگر ارزش مبادله‌ای پول در مقابل ارزش مبادله‌ای سایر کالاها و خدمات افزایش یابد، گفته می‌شود؛ ارزش پول بالا رفته است. پس کاهش و افزایش ارزش مبادله‌ای در خود پول است؛ همان گونه که در سایر کالا و خدمات اتفاق می‌افتد.^۱ این نوع تورم معمولاً با ویژگی‌های افزایش نامتناسب قیمت‌ها، استمرار بالا رفتن قیمت‌ها، فراگیر و عمومی شدن افزایش قیمت‌ها (افزایش همه یا عمده کالاها) همراه است. عوامل متعددی از جمله ظرفیت تولید، کشش بازار، تغییر نیازهای مصرف کنندگان، ذخیره موجود آن کالا در بازار، احتکار و عوامل روانی و تبلیغاتی و... نیز تأثیری کم و بیش در قیمت کالاها به طور نسبی دارند. که پس از یک دوره زمانی اکثر این تأثیرات، تقریباً اثر خود را از دست داده و عامل عمده‌ای که اثرش باقی می‌ماند و باعث ثبات گرانی قیمت کالا و خدمات می‌شود، همان کاهش ارزش پول است. بنابراین در جایی که واقعاً ارزش پول کاهش می‌یابد و باعث بر هم خوردن ثبات و تعادل اقتصادی در جامعه می‌شود از لحاظ احکام فقهی، لوازمی به بار می‌آورد که لازم است با عنایت به این موضوع جدید، وارد مسائل فقهی و با توجه به قواعد عمومی فقه؛ آنها را بررسی کنیم. تورم پولی در زمان‌های گذشته معمولاً با خیانت حکومت‌ها و مؤسسات مربوطه با همدستی دولت‌ها بوده است؛ در زمان گذشته پادشاهان برای تأمین مخارج سنگین خود، محتوی و عیار مسکوکات گران بها را دست کاری و هزینه سنگینی بر دوش مردم تحمیل می‌کردند. البته این وضع نمی‌توانست ادامه داشته باشد، و سکه‌ها را امتحان و به طور وزنی معامله می‌نمودند، در نتیجه این کاهش ارزش پول ادامه پیدا نمی‌کرد. اما هم اکنون گرچه دولت‌ها، به قصد خیانت این کار را انجام نمی‌دهند؛ ولی پیامدها و تبعات آن سر جای خود باقی است. کاهش ارزش پول، لازمه ماهیت و از مشخصه‌های پول نیست؛ بلکه از عوارض و حالات پول است، یعنی می‌توانند وجود داشته باشد یا نداشته باشد و همچنین بنا به عوامل اقتصادی می‌تواند شدید بوده و یا حتی استمرار داشته باشد. بنابراین لازم است با توجه به منابع فقهی و با تکیه بر

۱ یوسفی، احمدعلی، ربا و تورم (بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و تورم)، ص ۱۴۵

اصول و قواعد فقهی احکام فقهی و حقوقی خاصی را جستجو کرد.

بخش یازدهم: ارائه راهکارهای حقوقی برای کاهش ارزش پول و تورم

بسیاری از صاحب‌نظران راهکارهای حقوقی همچون تعدیل قراردادی و قضایی، بیمه کاهش ارزش پول و استفاده از پول الکترونیکی جهت رفع مشکلات ارائه داده‌اند.

بند اول: تعدیل قراردادی و قضایی برای جبران تورم و کاهش ارزش پول

تعدیل قرارداد در علوم مختلف معانی مختلف دارد. تعدیل در حقوق قراردادها به معنای کم یا زیاد کردن مبلغ عقد با هدف ایجاد موازنه بین طرفین است. انواع تعدیل شامل قراردادی-قضایی و قانونی است. به عبارت دیگر تعدیل متعادل کردن و سوق دادن قرارداد به سوی عدالت و منظور از عدالت در قرارداد عبارت است از نزدیک ساختن شرایط قرارداد و ارزش معاوضی ثمن و مبیع به یکدیگر بر این اساس تعدیل قرارداد منعقد شده بین طرفین عقد از راهکارهای اصلی جبران خسارت ناشی از تورم در قراردادها است. تعدیل قرارداد یک مفهوم قانونی است که در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف با نام‌های متفاوت و همچنین تفاوت در برداشت را نیز به دنبال داشته یا از آن متأثر بوده است.

بند دوم: انعقاد قرارداد به روش ثمن شناور

عده‌ای به انعقاد قرارداد به صورت (ثمن شناور) روی آورده‌اند. شیوه‌ای برای بی اثر کردن نرخ تورم نسبت به طرفین قرارداد. به این صورت که، ثمن قرارداد در هر مرحله از قرارداد خود به خود تعدیل می‌شود و طرفین با قبول نوسانات بازار تا میزان افزایش یا کاهش یافته، قیمت عوامل تولید را به صورت روزآمد محسوب می‌کنند. ثمن شناور در حقوق ایران پذیرفته شده نیست، اما در عرف جامعه و برخورد دست اندرکاران امور کشور می‌توان آن را امری تقریباً طبیعی محسوب کرد. به عنوان مثال، در مورد خرید و فروش خودرو از سوی کارخانه‌ها که خودروهای خود را که هنوز تولید نکرده‌اند به قیمت زمان تحویل می‌فروشند، در حالی که ثمن قطعی آنها در آینده مشخص می‌شود. از دید انعطاف ناپذیر حقوقی و به عنوان بیع خالص که در قانون حقوق ایران پذیرفته شده است به این قرارداد نگاه کنیم. باید حکم به بطلان آن بدهیم. اما بعضی حقوقدانان اعتقاد دارند که نگارش برخی مواد قانون به گونه‌ای که تردید در لزوم معین بودن مورد مطالعه را در هنگام انشای عقد به وجود می‌آورد مانند زمانی که در بیع کلی لازم نیست دقیقاً در لحظه انعقاد، عین موجود باشد، بلکه تعیین آن به وصف نیز ممکن است، در نتیجه چه بسا بتوان در معاملات عین کلی، ثمن را

نیز در آینده تعیین کرد.^۱ از نظر بسیاری از فقها، یکی از شرایط درستی عقد بیع، معلوم بودن عوضین برای طرفین است. به بیان برخی از فقها شرط است که قدر، جنس و وصف ثمن مشخص باشد و اگر به حکم یکی از طرفین بیع شود، به طوری که تعیین آن به یکی از طرفین عقد سپرده شود، عقد بیع منعقد نمی‌شود. این نظر در میان فقهای اهل سنت نیز جاری است و آنان نیز یکی از شرایط صحت بیع را معلوم بودن مبیع و ثمن دانسته‌اند.^۲ همچنین مشهور فقهای امامیه نیز علم به مقدار ثمن در زمان انعقاد قرارداد را شرط صحت معامله تلقی نموده‌اند.^۳ ثمن شناور در نظام حقوقی کشور ما نیز قابل بررسی است. حقوقدانان معتقدند که قواعد حقوقی همیشه مبتنی بر قانون نیست، بلکه می‌توان آن را در قالب رسوم، عادات، و نیازمندی‌ها نیز تفسیر کرد.^۴ بنابراین به جرات می‌توان گفت برای صحت انعقاد عقد بیع نه تنها مبیع باید معلوم و معین باشد. بلکه این حکم در مورد ثمن نیز جاری است. به عبارت دیگر، اگر ثمن شناور باشد اعم از این که معلوم یا معین نباشد، بیع صحیح واقع نمی‌شود این امر در مورد سایر معاملات معوض نیز ظاهراً صادق است. و صحت هر معامله‌ای که ثمن آن شناور باشد محل تردید است هنگامی که راجع به ثمن توافقات ابتدایی صورت گرفته، معامله باطل است و این‌گونه توافقات برای صحت عقد بیع کافی نیست. در فرضی که ثمن قرارداد مسکوت گذارده شود، عدم صحت معامله محرز و بطلان آن مسلم است.^۵ موکول کردن تعیین قطعی ثمن به آینده نه تنها در معاملات این افراد بلکه برای دولت‌ها نیز مقید و جداً جذاب است، چنان که دولت‌ها نیز برای مصون ماندن از تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و سایر پیشامدهای غیر متفرقه، قرارداد بیع کالاهای خود مثل نفت را از قبل منعقد می‌کنند و ثمن آن را مفتوح می‌گذارند تا با توجه به قیمت روز، سقف آن معین شود. آنها قیمتی از ثمن کالا را از قبل وصول می‌کنند، زیرا وصول این قسمت از ثمن از نقض قرارداد توسط مشتری جلوگیری می‌کند و در صورت تحریم، شرکت‌ها و ارکانهای دولتی کشورها و به طور کلی خود دولت‌ها غالباً مایل نیستند به خاطر

۱ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ۱۳۸۴، صص ۱ و ۱۷۶

۲ الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۲۰۱۱، صص ۴ و ۳۸۳

۳ موسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۶۸، صص ۱ و ۵۱۵

۴ جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، ۱۳۷۲، ص ۱۹۵

۵ داراب پور، سهراب، تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ۱۳۷۴، صص ۳ و ۲۶۱

تحمل خساراتی که خواهند کرد، از پیش پرداخت صرف نظر کرده و قرارداد را نقض کنند.^۱

بند سوم: اضافه کردن به ثمن به استناد شرط ضمن عقد

گاهی در ضمن قرارداد، تعهد و قرارداد فرعی دیگری بوجود می‌آید که به آن شروط ضمن عقد می‌گویند که موضوع آن تعهد یا قرارداد فرعی می‌تواند به صورت مستقل از قرارداد اصلی شود یا بخشی از مورد قرارداد اصلی را تشکیل دهد. بی تردید، اصل حاکمیت اراده و ثبات قراردادهای اقتضا می‌کند که توافق متعاملین، قابل احترام و الزام آور باشد و تغییری در آن صورت نگیرد. ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز در این زمینه مقرر کرده است: «عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آن لازم الاتباع است. با این حال، تحت شرایطی خاص، عدالت و انصاف و ایجاب می‌کند که قرارداد با شرایط جدید یا ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تطبیق و تعدیل شود. متعاقبین می‌توانند شرطی در قرارداد خود پیش‌بینی کنند که به موجب آن تحت شرایط معین در متن قرارداد و شرایط مندرج در آن، نسبت به اضافه کردن ثمن اقدام نمایند».^۲ براساس فقه اسلامی اگر شرطی ضمن عقد لازم بین دو طرف قرارداد مقرر شود، عمل به آن شرط، لازم و واجب خواهد بود، البته در صورتی که شرط خلاف دستورهای قرآن و روایات معصومین (ع) نباشد. عمل به شرط الزامی است و در نتیجه، جبران کاهش ارزش پول واجب خواهد شد.^۳

بند چهارم: پرداخت به پول غیر رایج

راه دیگری که برای جلوگیری از ورود ضرر و جبران کاهش ارزش پول در قراردادهای هنگام تورم بیان می‌شود، پرداخت ثمن به غیر پول رایج است. که به صورت ۲ روش امکان دارد.

۱- پرداخت به وسیله ارزهای معتبر

۲- پرداخت ثمن با استفاده از طلا یا کالای دیگر

در قراردادهای داخلی ثمن معامله معمولاً به پول رسمی کشور تعیین می‌شود. و این احتمال وجود دارد که به علت کاهش ارزش پول برابر با نرخ ارز، فروشنده متضرر شود. «به عنوان مثال، هرگاه کالایی به مبلغ صد میلیون تومان فروخته و مقرر شود که مبلغ مذکور

۱-داراب‌پور، سهراب، پیشین، ص ۲۳۱

۲-کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۷۲

۳-محقق داماد، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۴۶

یک سال بعد و هنگام تحویل کالا پرداخت گردد. این ترس وجود دارد که با کاهش ارزش پول رسمی کشور آنچه فروشنده تحصیل می‌کند نتواند هزینه تولید کالایی را که مواد اولیه آن از خارج تهیه و به پول خارجی خریداری شده است پوشش دهد». در نتیجه طرفین معامله به جای تعیین ثمن به پول رسمی کشور، ارز دیگری مانند دلار یا یورو را پیش‌بینی کنند که معمولاً ارزش اقتصادی خود را در برابر سایر ارزها حفظ می‌کنند که شیوه در قراردادهای داخلی کمتر استفاده می‌شود. و بیشتر در قراردادهای تجاری بین‌المللی رایج است. به موجب ماده ۳۳۸ قانون مدنی تردیدی در صحت چنین معامله‌ای یعنی پرداخت با پول غیر رایج وجود ندارد. زیرا کافی است ثمن معلوم و معین باشد. در داوری عرف و تمیز بیع از معاوضه در عقد بیع ثمن معمولاً پول است بدون توجه به نوع آن که از حیث مسکوک یا کاغذی بودن یا وجه رسمی کشور یا ارز بودن محدودیتی مقرر شود. در فقه امامیه نیز آنچه ضرورت دارد تعیین ثمن است و می‌تواند با اوصاف گوناگون مورد توافق قرار گیرد. قاعداً اگر بایع، مبیع را به ثمن مطلق بفروشد، منصرف به وجه رایج بلد است و اگر در محل انعقاد چند نوع وجه رایج است. بیع منصرف به مورد غالب است.^۱ شیوه معامله با پول خارجی در تسهیلات بانکی نیز رایج است و در آیین تأمین مالی صادرات (کالا و خدمات) مصوب ۸۴/۷/۴ شورای پول و اعتبار مورد توجه قرار گرفته است. درباره امکان پرداخت ثمن به ارز معتبر براساس آرای قضایی، می‌توان به بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹ اشاره کرد. که براساس آن خواسته دعوی می‌تواند پول خارجی را طلب کند و منشاء چنین استحقاقی می‌تواند قرارداد میان طرفین باشد ماده ۲۵۲ قانون تجارت نیز به پرداخت وجه برات به هر نوع پولی تجویز شده است.^۲ رأی وحدت رویه به شماره ۹۰ مورخ ۵۳/۱۰/۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به پول خارجی تأیید کرده است. براساس نظریه‌های که به اتفاق آرا از سوی قضاات دادگاه‌های حقوقی ۲ تهران ارائه شده است به هنگام اجرای حکم، عین پول خارجی باید تأدیه شود و اگر موجود نباشد، باید قیمت

۱ کاتوزیان، ناصر، پیشین ص ۲۶

۲ روزنامه رسمی به شماره ۹۶۳۵۱۴

عادلانه آن به نرخ معمول در بازار آزاد پرداخت شود.^۱ برای تعیین ثمن با نرخ ارز، دو روش می‌توان در نظر گرفت اساساً ثمن معامله به پول خارجی محاسبه شود. به عنوان مثال ثمن به پول داخلی (ریال) تعیین، اما شرط شود که به هنگام پرداخت، ارزش برابری آن همانند روز عقد در نظر گرفته و محاسبه خواهد شد. مزیت روش نخست این است که در آینده نیازی به محاسبه ندارد. ایراد این روش نیز گسترش بی‌اعتمادی به پول ملی است. و از طرفی احتمال دارد به دلیل محدودیت‌های منابع ارز در کشور، پرداخت پول خارجی به سهولت امکان پذیر نباشد. برای حل این مشکل می‌توان شرط کرد که در صورت عدم امکان پرداخت پول خارجی مورد توافق، معادل ریالی آن به نرخ روز بازار قابل پرداخت باشد.^۲

بند پنجم: استفاده از روش تعدیل در قرارداد

یکی از روش‌های تعدیل قرارداد، استفاده از روش تعدیل قراردادی عقد است. در این روش، تعدیل قرارداد براساس خواست و اراده طرفین صورت می‌پذیرد. ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران مقرر کرده است: عقود که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود. بنابراین، هرگاه قراردادی با رعایت مقررات قانونی منعقد شود، طرفین ملزم به اجرا تعهدات ناشی از آن خواهند بود. و اصولاً هیچ یک از طرفین نمی‌تواند به بهانه عذری از جمله تغییر اوضاع و احوال حاکم بر عقد و مشکل‌تر یا گران‌تر شدن اجرای تعهد به صورت یک جانبه در مفاد عقد تغییری ایجاد یا از انجام وظیفه خود شانه خالی کند. طرفین قرارداد برای در امان ماندن از نوسان قیمت‌ها یا اوضاع و احوال دیگری که ممکن است تناسب و توازن قرارداد را بر هم زند، می‌توانند شروط گوناگونی را پیش‌بینی کنند که برخی به طور همزمان و خودکار تعهدات قراردادی را با اوضاع و احوال جدید منطبق می‌سازد و برخی به کمک اقدامات مکمل چنین اثری به بار می‌آورند. از سوی دیگر، هر کدام از این دو گونه شروط یاد شده که ممکن است از همان ابتدا توسط تشکیل‌دهندگان عقد مورد پیش‌بینی قرار گیرند و طرفین در ابتدای انجام معامله دست به چنین عملی نزنند، بلکه بعد از حدوث شرایط یاد

۱ خان محمدزاده، راحله، مبنا و گستره خسارت قابل مطالبه در بطلان معامله غیر با تأکید بر رویه قضایی، ۱۳۹۴، ص

۲ خان محمدزاده، راحله، پیشین، ص ۵۵

شده چنین تصمیمی بگیرند و رضایت خویش را برای تعدیل شرایط و مفاد اولیه عقد اعلام کنند.^۱

بند ششم: قابلیت داشتن تعدیل به هنگام انعقاد قرارداد:

گاهی طرفین قرارداد در انعقاد عقد، اراده انشایی خود را بر سر این که قرارداد آنها قابلیت تعدیل را داشته باشد. بیان می‌کنند در واقع اگر طرفین، قرارداد را بر اثر احتمالات گوناگون تغییر دهند. و از موقعیت اجرایی آن، مشکلات ناشی از عدم امکان تغییر و تبدیل مفاد قرارداد در زمان اجرای آن واقف باشند، ترجیح می‌دهند که در زمان شکل‌گیری، و انعقاد عقد، تکلیف اوضاع و احوال غیرمنتظر را نیز روشن کنند. موضوع اینگونه قراردادها انجام عمل یا تسلیم کالایی در برابر دریافت مبالغی وجه نقد است. و از سوی دیگر، نگرانی عمده طرفین قرارداد نوسانات مربوط به ارزش وجه رایج است که خود را به صورت تورم یا کاهش ارزش پول نمایان می‌سازد آنان از همان ابتدا به تنظیم شروطی فکر می‌کنند که در صورت بروز چنین مشکلاتی با کم کردن از میزان تعهد یا افزایش ما به ازاء به بازسازی وضعیت زیان دیده و تعدیل اقتصادی عقد بی‌انجامد. به این شروط که اصولاً شروط تعدیل کننده می‌گویند که در زمان تشکیل قرارداد به دو گونه پیش‌بینی می‌شود.

۱- خودکار

۲- غیر خودکار

منظور از شرط تعدیل خودکار قرارداد این است که طرفین در ابتدای عقد خود تعدیل قرارداد را پیش‌بینی کنند و بعد از انعقاد عقد در هر موردی که تورم بوجود آید قرار داد خود به خود عمل تعدیل را بدون اراده طرفین قرارداد انجام خواهد داد. عده ای به آن شروط تغییر اتوماتیک یا اشل متحرک با هدف تغییر شرط شاخص نیز گفته‌اند: «با هدف تغییر تعهد قراردادی مخصوصاً تعهد نسبت به مقادیری وجه نقد براساس تغییرات قیمت یک کالا معین یا یک سرویس مشخص یا سطح عمومی قیمت‌ها صورت می‌گیرد. این شرط در حقوق برخی کشورها، مدت‌ها به علت این که استدلال می‌شود که ممکن است باعث تورم شود مورد تردید بوده است، تا این که به علت سودمندی آنها غالباً بدون هیچ محدودیتی در پرداخت‌های بین المللی پذیرفته شده در حقوق داخلی نیز چنان چه با قواعد

آمره خاصی تلافی نداشته باشند مورد قبول قرار گرفته اند. هرگاه طرفین قرارداد، شرط تعدیل را به گونه‌ای پیش‌بینی نماید که بدون اراده ثانوی آنان اثربخشی باشد، تعدیل به طور خودکار تحقق خواهد یافت.^۱ تعدیل غیرخودکار قرارداد نیز برعکس تعدیل خودکار یعنی این که طرفین در ابتدای عقد، به جای این که قرارداد به صورت خودکار تعدیل شود در مواقعی مانند تورم که قرارداد به تعدیل نیاز دارد، طرفین بدون تعدیل خودکار، خود مبادرت به این کار کنند و پس از انعقاد قرارداد و پیش‌بینی امکان، هماهنگی تعهدات با اوضاع و احوال خارج از عقد، بدون نیاز به اراده جدید اطراف عقد محقق شود.

بند هفتم: قابلیت تعدیل به وقت اجرا

تعدیل قرارداد به هنگام اجرا به دو صورت ممکن است.

۱- تعدیل آزاد

۲- تعدیل آماده

تعدیل آزاد این است که طرفین در هنگام انعقاد عقد، شرطی را نامناسب بیابند و با حسن نیت تصمیم بر تعدیل قرارداد بگیرند. در پذیرش چنین اختیاری برای طرفین در تعدیل قرارداد، اختلافی میان حقوقدانان وجود ندارد و همه معتقدند همانطور که دو اراده می‌تواند عقد را به وجود آورد، همان دو اراده نیز می‌تواند به توافق در آن تغییر ایجاد کنند. در توجیه این اعتبار می‌توان چنین ابراز داشت که دو طرف شروط نامناسب را به تراضی آماده کرده‌اند و به جای آن قرارداد دیگری بسته‌اند و نتیجه این دو عمل حقوقی، اصلاح قرارداد نخستین است.^۲ البته قاعده تعدیل در قرارداد بدون استثنا نیست. در پاره‌ای از موارد، قانون از باب نظم عمومی اجازه تغییر در مفاد قرارداد را نمی‌دهد، مانند عقد نکاح که من باب استحکام نهاد خانواده وجود حق فسخ و تجدیدنظر در ماهیت آن محدود است. اما در تعدیل قرارداد آماده، امکان بر هم زدن عقد به اراده دو طرف قرارداد وجود دارد این تعدیل مختص عقد لازم است. جز عقود که در عین لزوم، مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد.

۱. بیدگلی، سعید، پیشین، صص ۲۶۱-۲۶۲

۲. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۵۳

نتیجه گیری

۱- از بررسی و تحلیل اقتصادی راجع به تورم دریافتیم که وجود تورمی ملایم برای رشد اقتصاد لازم و ضروری است برای اینکه این امر به بنگاه‌های تولیدی انگیزه لازم برای تولید و فعالیت اقتصادی را می‌دهد. بنابراین علم اقتصاد به دنبال صفرکردن تورم نمی‌باشد چون این کار به هیچ وجه مطلوب نیست. بلکه در اقتصاد هدف آن است که از رشد افسار گسیخته تورم به صورتی که به اقشار جامعه برای تأمین مایحتاج خود فشار آورد، جلوگیری شود و رشد آن تحت کنترل باشد.

۲- از بررسی و تحلیل نظرات فقها و مطالب مختلف راجع به تورم و کاهش ارزش پول نتایج بدست آوردیم. این که پرداخت مهریه به نرخ روز، خسارت تأخیر تأدیه در چک و مطالبات بانک‌ها، مبنای تصویب مقررات آن جلوگیری از بی عدالتی است و هیچ فرقی بین دینی که به جهت عقد و نکاح با دینی که به جهت عقد قرض و بیع و امثال آن بوجود آمده نیست و همچنین تفاوتی بین دینی که منشأ آن چک یا سفته است و یا داین آن بانک یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر باشند نیست. بنابراین دلیلی ندارد که در این موارد کاهش ارزش پول ضمان آور و در بقیه مواد ضمان آور نباشد. در نتیجه از نظر جوامع علمی جبران بازپرداخت دیون در اثر تورم یا کاهش ارزش پول امری لازم است. اما فقها و مراجع تقلید به صراحت جبران بازپرداخت دیون ناشی از کاهش ارزش پول و تورم را امری لازم نمی‌دانند بلکه در فرضیه‌های گوناگون حکم‌های متفاوتی را بیان می‌کنند.

۳- همانطور که بیان کردیم برای فهمیدن و درک بهتر دلایل اختلافات و فتوا متفاوت فقها باید به پیش عرف متخصص آن موضوع رفت. همچنین تأثیر تورم و تأثیرپذیریش نسبی می‌باشد. و تعالیم عالیه اسلام مواردی چون قاعده نفی ضرر، نفی عسر و حرج بیان می‌دارد که با توجه به این موارد، موضوع تورم جنبه نسبی پیدا می‌کند. در نتیجه بستگی به وجود شرایط زمان و مکان دارد و در هر شرایطی نمی‌شود حکم یکسان داد. بلکه هر شرایط، حکم خاص خودش را می‌خواهد.

۴- طبق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی مسئول حفظ ارزش پول است، باید سیاست‌هایی اتخاذ کند که در مرحله اول، تورم به حداقل ممکن برسد. به گونه‌ای که کاهش ارزش پول آنقدر کم شود که در عرف جامعه، فاحش و قابل اعتنا تلقی نگردد و پول به عنوان معیار سنجش ارزش‌ها از یک وضعیت با ثبات برخوردار باشد.

۵- همچنین می‌توان در مورد آسیب‌شناسی ساختار قانونی می‌توان به بیان نقصان ساختار قانونی و مشکلات اجرای قوانین مرتبط با موضوع تورم و جبران کاهش ارزش پول بیان کرد. مثلاً در بانکداری اسلامی بدون ربا جبران کاهش ارزش پول در اثر تورم جبران نمی‌شود و سود کمی بدون توجه به نرخ تورم به افراد داده می‌شود. که این مخالف منطق و ضرورت تطبیق نرخ‌ها با تورم از سوی شورای نگهبان می‌باشد.

• ارائه راهبردهای علمی

عدم ساختار قانونی به خصوص در حوزه‌های مالی و بانکداری موجب پیدایش برخی از تورم‌ها می‌شود.

برای کنترل تورم در حوزه مالی و بانکداری راهبردهای علمی و مناسبی می‌توان ارائه داد:

۱- کنترل تورم نیازمند بانک مرکزی مستقل و مقتدر می‌باشد. کشورهای کم توسعه با داشتن بانک‌های مرکزی مستقل توانسته‌اند تورم را در محدوده ۵ درصد مهار کنند، تورم فزاینده و شدید در کشور ما مشکلات زیادی رو بوجود آورده و پول ملی را بی‌ارزش کرده است.

۲- بازنویسی قوانین پولی و بانکی، مقطع سرنوشت‌سازی برای حل ریشه‌ای معضل تورم

۳- سالم‌سازی بانک‌ها

۴- حمایت اصولی و کارآمد از تولید و سرمایه‌گذاری

۵- قانون عملیات بانکی بدون ربا مستقلاً نیازمند اصلاحات فراوان است، سپردن مسوولیت استقرار بانکداری سازگار با شرع مقدس اسلام به بانک باید در همان چارچوب پیگیری شود.

۶- برای شرایط احراز اعضای هیات عالی بانک‌ها دستورالعمل، (آشنایی با بانکداری اسلامی و روش‌های اجرایی آن) در نظر گرفته شود.

۷- با کاهش نرخ بهره بین بانکی، سهمیه دادن به بانک‌ها برای اصلاح ترازنامه و سقف‌گذاری برای ترازنامه بانک‌ها می‌توان تورم را کنترل کرد.

۸- لزوم و توجه دقیق‌تر بانک‌ها به دستورالعمل‌های مبارزه با جرم پولشویی.

در انتها پیشنهاد می‌شود برای تبیین موضوع به عرف متخصص در همان رشته یا صنف مراجع شود. به عنوان مثال موضوع موسیقی قناعتی که برای فهمیدن موسیقی قناعتی عرف متشرعه (مردم) می‌توان رجوع کرد. راجع به موضوع تورم باید به عرف بازار رجوع کنیم و عموماً موضوع توسط عرف متشرعه و حکم توسط فقها بیان می‌گردد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم و بعد

۱. افتخار جهرمی، گودرز و حسینی پویا، محسن. (۱۳۹۴) تحلیل و نقد اقوال فقهی پیرامون خسارات کاهش ارزش پولی پس از تأخیر در تأدیه، فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۱۸)، ۴۱-۱
۲. خمینی، روح الله. (۱۳۹۲) استفتائات امام خمینی، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۳. الزحیلی، وهبه بن مصطفى. (۲۰۱۱) الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۴، قم: انتشارات دارالفکر.
۴. بیدگلی، سعید. (۱۳۸۶) تعدیل قرارداد، چاپ دوم، تهران: نشر میزان
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۲) حقوق تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. جعفری فشارکی، زینب. (۱۳۸۸) بررسی آرای فقها درباره تبدیل مهریه به نرخ روز، مجله تخصصی نور، (۲)، ۱۲۳-۱۴۲
۷. خان محمدزاده، راحله. (۱۳۹۴) «مبنا و گسترده خسارت قابل مطالبه در بطلان معامله با غیر با تأکید بر رویه قضایی» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر غلامعلی سیفی زیناب، تهران.
۸. داراب پور، سهراب. (۱۳۷۴) تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، ج ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. طباطبائی، سید محمد صادق؛ سرمدی، پگاه. (۱۳۹۴) بررسی فقهی و حقوقی قابلیت جبران ضرر ناشی از کاهش ارزش پول، دو فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، ش ۱۰.
۱۰. قدیری اصل، باقر. (۱۳۷۶) پول و بانک، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. کتابی، احمد. (۱۳۹۱)، ماهیت تورم علل آثار و راههای مقابله با آن، چاپ سوم، تهران: اقبال.
۱۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱) عقود معین، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات سهامی انتشار.

۱۳. کتابی، احمد. (۱۳۷۱ ه.ش) تورم، تهران: انتشارات اقبال.
۱۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴) حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی (قرارداد- ایقاع)، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸) فروع کافی، ترجمه: محمدحسین رحیمیان، ج ۶، چاپ اول، قم- تهران: قدس.
۱۶. الموسوی الخمینی، روح الله. (۱۳۸۵) الرسائل، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۱۷. مشکوٰه، محمد. (۱۳۴۸) پول، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی دهخدا.
۱۸. میرزایی حسینی، محمود. (۱۳۷۹) کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصادی- بازرگانی، انتشارات یادواره کتاب.
۱۹. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۸) نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۰. میشکین، فردریک اس. (۱۳۸۸) اقتصاد پول بانکداری و بازارهای مالی، ج ۱، ترجمه و تألیف: دکتر حسین قضاوی، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. یوسفی، احمدعلی. (۱۳۸۸) سلسله پژوهشهای فقهی- حقوقی، بررسی فقهی جبران کاهش ارزش پول، تهران: انتشارات جنگل.
۲۲. یوسفی، احمد علی. (۱۳۷۷) ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، ج ۱، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱) ربا و تورم، بررسی تطبیق جبران کاهش ارزش پول و ربا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۴. سایت دفتر آیت الله سیستانی. www.Sistani.org پایگاه اطلاع رسانی به سوالات دینی
۲۵. سایت مرکز تحقیقات اقتصاد کاربردی و اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، استفتائات اقتصادی: ربا، کاهش ارزش پول

